

نگاهی به مفهوم و مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی عرفی

ابراهیم موسی زاده^۱، فهیم مصطفی زاده^{۲*}

۱- استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۷

دریافت: ۱۳۹۱/۷/۸

چکیده

نگاهی تاریخی به اصطلاح «حریم خصوصی» در مباحثات انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که در فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون، حریم خصوصی همواره امر ارزشمندی بوده و مورد حمایت واقع می‌شده است؛ ولی با این حال، تعریف، برداشت، توصیف و مفهومی واحد و یک شکل از آن هنوز به دست نیامده است و این به خاطر تفاوت در فرهنگ‌ها، تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع در طی تاریخ و نیز تفاوت در نوع نگاه و نگرش به این حق و نقش و جایگاه آن در جوامع بوده است، به طوری که مصادیق و قلمرو خلوت و حیطة خصوصی از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کند. «حق بر حریم خصوصی»، ارتباط عمیق و تنگاتنگی با حرمت، حیثیت، کرامت، شخصیت، توسعه ارتباطات شخصی، کنترل اطلاعات شخصی محرمانه، توسعه خودمختاری شخصی و دیگر ارزش‌های ارزشمند بشری دارد که برای حفظ این ارزش‌ها ملزم به شناخت یک حیطة خلوت و خصوصی برای انسان هستیم.

کلیدواژه‌ها: حریم خصوصی، حق خلوت، خودمختاری شخصی.

درآمد

اگر انسان در جزیره‌ای دوردست، تک و تنها و به دور از هم‌نوعان خود زندگی می‌کرد، شاید نیازی به شناسائی حق، وظیفه و تکلیف برای وی احساس نمی‌شد. ولی واقعیت این است که انسان در اجتماع زندگی می‌کند و زندگی در اجتماع ایجاب می‌نماید که حق، تکلیف و وظیفه‌ای برای هریک از افراد جامعه شناسائی شود، چون اگر غیر از این باشد بی‌نظمی، هرج و مرج، کشمکش، استبداد، بی‌اعتمادی و سکون و ناملايمات دیگر بر اجتماع حاکم خواهد شد؛ بنابراین شناسائی حق برای افراد در اجتماع نه تنها ضروری بلکه لازم می‌باشد. از این‌رو است که حق جایگاه ارزشمندی در بین مباحثات حقوقی، سیاسی و اجتماعی دارد و آن را در دانش حقوق به عنوان قطب و پایه تمام بحث‌ها و همزاد عدالت شمرده‌اند. یکی از حقوق اساسی بشر که وی را در مقابل تعرضات دیگران به زندگی خصوصی‌اش و نیز مداخلات ناروای دولت‌ها مورد حمایت قرار می‌دهد، «حق بر حریم خصوصی» یا به عبارتی «حق خلوت» است. این حق که ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با حفظ کرامت، حیثیت، شخصیت، توسعه ارتباطات شخصی، خودمختاری و استقلال فردی، توسعه الفت و صمیمیت بین افراد و دیگر ارزش‌های مهم بشری دارد، امروزه جایگاه ویژه‌ای در مباحثات حقوقی و سیاسی دنیا دارد، به طوری که همواره به عنوان یکی از نمودهای حقوق بشر در عصر حاضر مطرح بوده و هست.

جایگاه «حق بر حریم خصوصی» در نظام حقوقی یک کشور از دو منظر قابل بررسی است: یکی از منظر حمایتی؛ یعنی می‌توان با جرم‌انگاری رفتارهای ناقض این حق و نیز اقدامات قضایی به مقابله با کسانی پرداخت که زندگی خصوصی و خلوت شهروندان را مورد تعرض قرار می‌دهند. دیگری از منظر مداخله و تهدید؛ یعنی دولت ممکن است در قلمرو خلوت و حریم خصوصی شهروندان اقدام به مداخله، ایجاد محدودیت و جرم‌انگاری در برابر اختیار و انتخاب آنها نماید یا ممکن است این حریم توسط مقامات کیفری و امنیتی در راستای کشف و تحقیق جرائم مورد نقض و تعرض قرارگیرد یا حتی ممکن است پیشگیری از وقوع جرم یا حفظ نظم اجتماعی، اخلاقی، بهداشتی و سیاسی موجبات دخالت در خلوت و زندگی خصوصی شهروندان را فراهم کند. این مقاله با توجه به دو منظر فوق دو سؤال زیر را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد:

- ۱- مفهوم «حق بر حریم خصوصی» در نظام‌های حقوقی عرفی چه بوده و قلمرو حمایتی آن تا کجاست؟
- ۲- مبانی شناسایی «حق بر حریم خصوصی» برای شهروندان در نظام‌های حقوقی عرفی چیست؟

۱- سیر تحول تاریخی «حق بر حریم خصوصی»

مفاهیم حقوقی چون مالکیت اموال مادی و قراردادهای از قرن‌ها قبل در سیستم حقوقی و قضایی کشورها وجود داشته و در حال حاضر در نظام حقوقی کشور ما نیز مفاهیم شناخته شده‌ای هستند که درباره آنها کتاب‌ها و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده و مباحثات عمده‌ای بین حقوقدانان درباره آنها صورت گرفته است ولی «حق خلوت و حریم خصوصی» مفهومی جدید در نظام حقوقی دنیاست که بیش از یک سده از مطرح شدن آن در عرصه بین‌المللی نمی‌گذرد، اگر چه قبلاً به اشکال دیگری مورد حمایت واقع می‌شده است؛ به عنوان نمونه قوانین، نوشته‌ها و آداب و رسوم یونان باستان نشان می‌دهد که حق مالکیت و حق خلوت در جامعه یونان باستان دو مفهوم مرتبط با همدیگر بوده که همراه با یکدیگر به رسمیت شناخته شدند. (Barrington Moore, 1984: 108) و یا رویه قضایی انگلیس و آمریکا نیز مثل یونان باستان سعی کردند تا مصادیق حق خلوت را تحت لوای حقوق مالکیت شناسایی و مورد حمایت قرار دهند. (Pope V. Curl. 1741)

در قرن ۱۹ میلادی، «حق خلوت و حریم خصوصی» در یک روند و مسیر یکسان و مشابه تحت لوای حق مالکیت توسعه پیدا کرد. اصول قانون اساسی کشورها، مردم و اموالشان را در برابر دخالت‌های دولت مورد حمایت قرار دادند. این اصول در پرتو حمایت از حق مالکیت، «حیطه خصوصی» را نیز حمایت نمودند. اصل حقوقی و نیز ضرب‌المثل «خانه هر شخص پناهگاه اوست» در قرن نوزدهم کاربرد وسیعی داشت. هرکس که حرمت خانه‌ای را می‌شکست یا نسبت به تصرف کامل مالکان مزاحمت و ممانعت ایجاد می‌کرد با مجازات‌های کیفری و مدنی روبرو می‌شد. ممنوعیت بازرسی و تفتیش و نیز قوانین مربوط به تجاوز به ملک غیر به‌عنوان ضامن و نگهبان حیطه خصوصی مالکان خانه پذیرفته شد. جبران خسارت‌های وارد شده در تجاوز به ملک غیر، حتی به جبران خسارت «تعرض به حیطه خصوصی و خلوت» نیز تسری پیدا کرد و حق امنیت شخصی،

آزادی‌های شخصی و مالکیت خصوصی در برابر هرگونه تعرض دولت و کارکنانش به حرمت خانه‌های افراد و خلوت زندگیشان به رسمیت شناخته شد (Mary Choepcki:4).
 رفته رفته بحث شناسایی امنیت روحی و روانی، احساسات و افکار فرد به میان آمد و به تدریج قلمرو این حقوق قانونی گسترش یافت؛ با شناسایی ارزش حقوقی احساسات، حمایت از اشخاص در برابر صدمات بدنی به حمایت از آنها در برابر صدمات روحی گسترش پیدا کرد و یک حمایت محدود از اشخاص در برابر سروصداها، بوهای آزاردهنده و رنجش آور، گرد و خاک، سیگار کشیدن و ارتعاش و لرزش بیش از حد متعارف ایجاد شد؛ رفته رفته قوانین در مورد مزاحمت، ایذاء و آزار گسترش یافتند و با ملاحظه شهرت و اعتبار فرد و بودن او در میان هموعانش، قوانین تهمت و افترا به وجود آمدند؛ روابط خانوادگی انسان یک قسمتی از مفهوم حقوقی زندگی او شد؛ در واقع باید گفت این توسعه و پیشرفت قانون، مسلم و غیر قابل اجتناب بود. (Warren and Brandeis:199)

عبارت مشهور «حق به حال خود رها شدن» (To be let alone) عنوان دیگری بود که تحت لوای آن در گذشته، حق خلوت و حریم خصوصی مورد حمایت قرار می‌گرفت؛ به طوری که در سال ۱۸۳۴ دیوان عالی آمریکا در یک پرونده (Wheaton V. Peters, 33 U. S. 591, 634 (1834)) اظهار نمود که «از متهم هیچ چیز خواسته نمی‌شود و هیچ چیز پرسیده نمی‌شود، بلکه تا زمانی که ثابت نشود که او حقوق دیگران را نقض کرده، می‌تواند به حال خود رها شود»؛ با این حال «حق خلوت و حریم خصوصی» هنوز به عنوان یک مفهوم حقوقی مستقل مورد نظر نبود تا اینکه در سال ۱۸۸۸ در یک کتاب درسی حقوق، تحت عنوان «حق به حال خود رها شدن» مطرح گردید. (Ronald B Standler:2)

در سال ۱۸۹۰ یک اتفاق خاصی افتاد که مسیر و جهت توسعه حق خلوت و حریم خصوصی را تغییر داد و موجب مجزا شدن حق خلوت و حق مالکیت از یکدیگر گشت. در آن سال نشریه حقوقی هاروارد مقاله‌ای به قلم آقایان ساموئل وارن و لویس براندیس تحت عنوان «حق تمتع از خلوت» منتشر کرد. نویسندگان اگرچه عنوان نمودند که قبلاً حق خلوت تحت لوای مفهوم موسع حق مالکیت مورد حمایت واقع می‌شد ولی درخواست نمودند که باید حق خلوت به طور مجزا به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار گیرد. نویسندگان مذکور که این مقاله را به دنبال چاپ یک گزارش ناخوشایند پیرامون ازدواج

دختر وارن نوشتند (اندرو کلاپهام، ۱۳۸۹: ۱۳۱)، به انتقاد از مطبوعات و کسانی پرداختند که عواطف، احساسات، افکار و حیثیت دیگران را ملعبه هوی و هوس خود قرار می‌دهند و امور خصوصی دیگران را زیر پا می‌گذارند. آنها در این مقاله اعلام کردند: «مطبوعات در هر زمینه‌ای از حدود آشکار نجابت و نزاکت تجاوز می‌کنند. اراجیف و شایعات بی‌اساس به صورت یک حرفه‌ای شده است که با گستاخی و بی‌شرمی دنبال می‌شود. برای ارضای سلیقه‌های شهوانی، جزئیات روابط جنسی را در ستون صفحات روزانه منتشر می‌کنند. برای سرگرم کردن خوانندگان، ستون پشت ستون پر از شایعات بی‌خودی است که به وسیله دخالت بدون اجازه در حوزه خصوصی و خلوت دیگران به دست می‌آید. سختی و پیچیدگی زندگی، و وابستگی ناشی از پیشرفت تمدن، دوری گزیدن انسان از دنیا را گاهی اوقات ضروری می‌سازد. تحت تاثیر فرهنگی که در حال پیشرفت است، انسان نسبت به انتظار عمومی حساس تر شده است به قدری که تنهایی و خلوت برایش اهمیت اساسی پیدا کرده است؛ ولی ابتکارات و اختراعات مدرن از طریق تجاوز به خلوتش او را دچار ناراحتی‌ها و فشارهای روحی و روانی دردناک‌تر و شدیدتر از صدمات جسمی می‌کند». (Warren and Brandis:196) در نتیجه پیشنهاد دادند که تعرض به حق خلوت و حریم خصوصی به عنوان یک شبه جرم جدید به رسمیت شناخته شده و بایستی آن را از ضربه زدن به شهرت و حیثیت و آبرو مجزا و متمایز دانست چرا که تعرض به خلوت اشخاص یک ضربه عمیق‌تر و ژرف‌تری بر آنها وارد می‌کند و در نتیجه این تعرض، احساس کرامت، استقلال، فردیت، شأنیت و کمال انسان آسیب می‌بیند. به همین خاطر است که باید آن را یک حق شخصی و فردی نامید نه یک حق مالی. متعاقب مقاله مزبور، دعوای‌ای تحت عنوان تعرض به «حق خلوت و حریم خصوصی» در دادگاه‌ها اقامه شد که بعضاً رد و بعضاً پذیرفته شدند.

در طول قرن بیستم تعرضات جدید ناشی از پیشرفت تکنولوژی شامل ضبط مکالمات تلفنی خصوصی، گذاشتن میکروفن مخفی یا دستگاه ضبط صوت در اماکن خصوصی، دوربین‌های عکاسی و فلیمبرداری، قابلیت کامپیوترها جهت جمع‌آوری، ذخیره‌سازی و به دست آوردن اطلاعات و... باعث شد تا حریم خصوصی به عنوان یک حق مهم و اساسی شناخته شود. به طوری که در سطح بین‌المللی با جدیت فراوانی دنبال شد و اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ در ماده ۱۲ و میثاق بین‌المللی حقوقی مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ در ماده ۱۷

این حق را به رسمیت شناختند و در کنگره‌های متعددی چون کنگره بین‌المللی حقوقدانان در وین به سال ۱۹۵۵، کنگره وین در سال ۱۹۵۹، کنگره حقوقدانان در استکهلم به سال ۱۹۶۷، کنگره اتحادیه بین‌المللی حقوقدانان در لندن به سال ۱۹۶۹ موضوع بحث واقع شد. (کاتبی، ۱۳۵۹: ۴۳-۴۲)

متعاقب قطعنامه استکهلم، کشورها برای مقابله با اقدامات مخفی و تجسس‌ها در خلوت و زندگی خصوصی افراد، اقدام به وضع مقرراتی نمودند. کشورهای مختلف چه در قوانین اساسی و چه در قوانینی عادی به حمایت از حق خلوت و حریم خصوصی پرداخته، برخی از کشورها صراحتاً قانون حق خلوت را به تصویب گذراندند و برخی هم به‌طور ضمنی برخی از مصادیق آن را در اصول قانون اساسی خود گنجانده‌اند ولی با این حال نیازمند تلاش و دقت بیشتری هست تا بتوان در برابر خطرات روزافزون پیشرفت تکنولوژی که زندگی خصوصی و خلوت افراد را به آسان‌ترین شکل ممکن نشانه گرفته است، قوانینی جامع و کامل به تصویب رساند.

۲- مفهوم حق بر حریم خصوصی

«حیطه خصوصی و خلوت» اصطلاحی است که به‌صورت مکرر در محاورات عامیانه و همچنین در مباحثات حقوقی، سیاسی و فلسفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نگاهی تاریخی به این اصطلاح در مباحثات انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که در فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون همواره ارزشمند بوده و مورد حمایت واقع می‌شده است. ولی با این حال، تعریف، برداشت، توصیف و مفهومی واحد و یک شکل از این اصطلاح هنوز بدست نیامده است و این به‌خاطر تفاوت در فرهنگ‌ها، تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع در طی تاریخ و نیز تفاوت در نوع نگاه و نگرش به این اصطلاح و نقش و جایگاه آن در جوامع بوده است. به‌طوری‌که مصادیق و قلمرو خلوت و حیطه خصوصی از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کند.

واژه «خلوت» در فرهنگ‌های لغت فارسی به معنای تنهایی گزیدن، تنها شدن، جای خالی از اغیار، تنهایی و جای تنهایی آمده است (معین، ۱۳۸۲، ص ۶۲۴؛ عمید، ۱۳۸۱، ص ۵۶۳) «خلوت و حیطه خصوصی» معادل واژه «Privacy» در انگلیسی است که در دو معنی

به کار رفته است: ۱- موقعیت تنها بودن یا بدون مزاحم ۲- آزادی از مداخله یا نظارت و توجه عمومی (Oxford advanced learner's dictionary, 1989:989). واژه «Privacy» در فرهنگ حقوقی آکسفورد نیز به معنای حق «تنها به حال خود و بدون مزاحم رها شدن» آمده است. (Oxford dictionary of law, 1997:354)

همانطور که قبلاً اشاره شد، یکی از اشارات نخستین به «خلوت و حیطة خصوصی» را می‌توان در نوشته‌های فلسفی ارسطو یافت که حوزه عمومی و سیاسی اشخاص را از حوزه خانوادگی و خصوصی آنان متمایز و جدا می‌دانست و معتقد بود که این دو قلمروی زندگی، کاملاً متمایز از یکدیگرند؛ به عبارتی دیگر وی از حوزه عمومی و سیاسی افراد به عنوان «Polis» و از حوزه خصوصی و خانوادگی افراد به عنوان «Oikos» نام می‌برد و حوزه «Polis» و حوزه «Oikos» را کاملاً جدا از هم‌دیگر می‌دانست که قواعد و مقررات حاکم بر یکی نبایستی بر دیگری حاکم گردد. (Judith decew, 1988:9-10)

«حق بر حریم خصوصی» توسط حقوق‌دانان، صاحب نظران و پژوهندگان در این زمینه، به صورت‌های متفاوتی تعریف شده است. (moore, 2008:412-413) برخی از صاحب نظران در این زمینه، «حق بر حریم خصوصی» را به صورت زیر تعریف نموده‌اند: «حق داشتن این توقع و انتظار است که مضمون اطلاعات شخصی محرمانه اظهار شده و آشکار شده در یک مکان خصوصی، برای اشخاص ثالث آشکار و افشاء نخواهد شد، موقعی که افشای مضمون آن اطلاعات باعث شرمندگی، سرافکندگی و جریحه‌دار شدن احساسات یک شخص با حساسیت عادی و متعارف شود. (Ronald B standler:1)

باتوجه به تعریف مزبور: ۱- مضمون اطلاعات زمانی مورد حمایت است و در حیطة حق خلوت و حریم خصوصی جای می‌گیرد که اولاً در یک مکان خصوصی اظهار یا آشکار شده باشد و ثانیاً از آن دسته اطلاعاتی باشد که افشاء مضمون آنها شرمندگی، سرافکندگی و جریحه دار شدن احساسات یک شخص با حساسیت عادی را در پی داشته باشد. ۲- اطلاعاتی که توسط خود شخص، در یک مکان عمومی به صورت ارادی اظهار و آشکار شده باشد در حیطة حق خلوت و حمایت قرار نمی‌گیرد؛ منظور از مکان خصوصی هر مکانی است که عرفاً و عادتاً بتوان به آن مکان خصوصی گفت مثل منزل، اتاق هتل و مسافرخانه، غرفه تلفن و مانند آن.

در یک تعریف دیگر، «حق بر حریم خصوصی» به عنوان «حق محرمانه بودن

خصوصیات شخص یا مال وی از انظار عمومی» تعریف شده است (هارلو، ۱۳۸۳: ۱۶۳). هدف این تعریف آن است که اطلاعات مربوط به خصوصیات شخصی، خانوادگی و مالی یک فرد از قبیل اطلاعات راجع به سن، قد، وزن، رنگ مو، ویژگی‌های شخصیتی، تولد، ازدواج، طلاق، گواهینامه رانندگی، میزان دارائی، مشخصات پدری و مادری، تاریخ و محل تولد، محل سکونت و زندگی، گردش مالی کارت اعتباری، مسافرت‌ها، سوابق استخدامی، سوابق استیجاری، تعداد و سن فرزندان، شماره تلفن، دین، مذهب و موارد تعیین هویت و ... از مصادیق حق خلوت و حریم خصوصی بوده و بایستی تا زمانی که شخص با رضایت خود آنها را اعلام ننموده، محرمانه باقی بمانند و لذا نباید شخص را مجبور به اظهار و آشکار نمودن خصوصیات خود یا دارایی‌اش کرد. در واقع بر اساس تعریف مزبور آزمون‌های سلامتی، تست مواد مخدر، آزمون شخصیت و نیز آزمایش ژنتیک بدون رضایت فرد و همچنین تفتیش برای اطلاع از سوابق و خصوصیات شخصی و خانوادگی افراد جهت استخدام یا پذیرش جهت ادامه تحصیل و الزام برای پرکردن فرم‌هایی که حاوی مسائل و خصوصیات فردی است، نقض حق خلوت و حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود. البته نکته‌ای که ذکر آن در اینجا لازم می‌باشد، این است که نباید «حق بر حریم خصوصی» به عنوان حق محرمانه بودن خصوصیات شخص از انظار عمومی را به طور مطلق پذیرفت بلکه محرمانه بودن خصوصیات زندگی یک شخص باید به عنوان اصل پذیرفته شود ولی در مواقع ضرورت و ایجاب نفع و مصلحت مهم فردی یا عمومی، استثنائاتی بر آن قائل شد.

به اعتقاد یکی دیگر از صاحب‌نظران، موضوع حق خلوت و حریم خصوصی مجموع رفتارهایی است که به صورت پرهیز از تفتیش، بازرسی و پرس و جو درباره مسائلی که به هیچ کس مربوط نیست مثل پرهیز از نگاه کردن به داخل اتاقی که پنجره آن به طرف خیابان باز است، نمود پیدا می‌کند. (Jeffery reiman, 1976:43-44) مطلب قابل ذکر در خصوص دیدگاه مزبور این است که اجتناب و پرهیز از پرس و جو، مشاهده و آگاه شدن فقط در مورد رویدادهایی است که در حوزه خصوصی مثل منزل، اتاق هتل، غرفه تلفن و مانند اینها رخ می‌دهند و نمی‌توان مانع صحبت یا مشاهده یا آگاهی در مورد رویدادهایی شد که در مکان‌های عمومی رخ می‌دهند؛ به عنوان مثال فردی که با رضایت خاطر و از روی اراده اطلاعاتی را درباره خود در یک مکان عمومی فاش می‌کند، نباید توقع داشته

باشد که این اطلاعات مشمول اطلاعات شخصی یا خانوادگی محرمانه و در حیطه حق خلوت قرار بگیرند، یا یک فردی که در یک خیابان با لباس‌های عجیب و غریب راه می‌رود، این انتظار و توقع غیر منطقی است که هیچ‌کس به وی نگاه نکند یا درباره لباس‌ها و ظاهرش صحبت نکند، چون او در یک قلمرو عمومی است نه یک حوزه شخصی؛ و داشتن این انتظار، محدودیت آزادی دیگران در مشاهده، صحبت و... در یک مکان عمومی است.

یکی دیگر از نظریه پردازان در زمینه حق خلوت، این حق را چنین توصیف می‌کند: «حق خلوت آدمیان متضمن یک پناهگاه امن یا منطقه حفاظت شده برای آدمیان است که مردم در آن می‌توانند از بازرسی دقیق و موشکافانه و احتمالاً نکوهش درباره امور شخصی خود، رها و آزاد باشند.» (نیس بام، ۱۳۸۱: ۱۹۹-۱۹۸). تعریف فوق یادآور ضرب المثل «خانه هر شخص پناهگاه او است» می‌باشد. تعریف مزبور، شناسایی حق خلوت را در واقع شناسایی یک پناهگاه امن و یک خودمختاری برای انسان تصور می‌کند که افراد بشر در این پناهگاه معمولاً از تعرض، دخالت، بازرسی و نقد دیگران مصون می‌باشند؛ بر اساس این تعریف هیچ‌کس حق تفتیش، بازرسی و اظهار نظر درباره رویدادهایی را که در حیطه خصوصی واقع می‌شود و مربوط به خود شخص و زندگی خصوصی وی است، ندارد. البته بایستی استثنائاتی را بر این نظریه وارد کرد و اظهار نظر و بازرسی‌هایی را که به حکم قانون یا به‌خاطر برخی ضرورت‌های اجتماعی و مصالح مهم جامعه انجام می‌گیرد، پذیرفت.

آقایان وارن و براندیس از حق خلوت به‌عنوان یک اصل نام می‌برند که نوشته‌ها و آثار معنوی، افکار و احساسات شخص را محافظت کرده و حق داشتن یک چارچوب بدون دخالت را به افراد بشر اعطا می‌کند تا اظهارات، گفته‌ها و اعمال آنها در این چارچوب مشخص، مصون از تعرض بوده و مورد حمایت قانون واقع شود. (Warren and Brandeis:10)

این دیدگاه می‌خواهد حاکمیت فرد بر احساسات، روان و افکارش را به رسمیت بشناسد و قانون را وادار به حمایت از افراد در برابر تعرضات به روان، حیثیت، احساسات و افکار آنان نماید؛ به عبارتی دیگر این نظریه حقوق معنوی اشخاص و نیز عواطف و احساسات، شخصیت و منش فرد را در برابر تعرضات و فضولی‌های دیگران مورد حمایت قرار می‌دهد.

برخی از پژوهشگران، حق خلوت را شامل «حق زندگی در خانه خود، بدون نگاه مزاحم دیگران، و حق بودن در یک اتاق خواب یا اتاق خصوصی بی‌آنکه شخص مزاحمی بتواند وارد آن شود» (استون، ۱۳۵۰: ۱۹۴) می‌دانند. این تعریف نیز مانند تعریف‌های پیشین مهمترین خصوصیت حق خلوت را مصون بودن از تعرض و مزاحمت می‌داند، البته فقط مصونیت منزل و محل سکونت و استراحت و خواب را مورد اشاره قرار داده و از مصونیت و تعرض ناپذیری مکاتبات و مکالمات و نوشته‌ها و اطلاعات شخصی محرمانه ذکری به میان نیاورده است.

آلان وستین یکی دیگر از نظریه پردازان حق خلوت در کتاب خود به نام «حیطه خصوصی و آزادی»، «حق بر حریم خصوصی» را یک «چارچوب حمایت شده‌ای که فرد می‌تواند خود مختاری خویش را در آن چارچوب اعمال کند» (Alan westin, 1967:36) می‌داند. وی خود مختاری را نیز «گرایش به دوری و پرهیز از زیر نفوذ و کنترل کامل دیگران بودن»، معنی می‌کند. منظور آلان وستین از چارچوب حمایت شده، همان حیطه خصوصی است که به هیچ‌کس جز فرد مربوط نمی‌شود. منظور وی از اعمال خود مختاری نیز این است که از قیود، موانع، کنترل و محدودیت‌ها رها باشد تا بتواند استقلال و حاکمیت فردی‌اش را در حوزه خصوصی و کاملاً مربوط به خودش، اعمال کند. در واقع آلان وستین حق خلوت را به عنوان یک توانایی توصیف می‌کند که بر اساس آن، شخص دسترسی دیگران را به خود محدود می‌کند و تعیین می‌کند که چه موقع و چگونه و تا چه حدی، اطلاعات و رویدادهای واقع شده در این حیطه به دیگران ربط دارد.

یکی دیگر از نظریه پردازان در زمینه حق خلوت، بنام روث گاوایسون در یک مقاله تحت عنوان «حیطه خصوصی و محدودیت‌های قانون»، حق خلوت را به عنوان یک شرط برای زندگی می‌داند که در صورت نقض و فقدان این شرط، زندگی شخص مختل خواهد گشت. وی در این مقاله بحث می‌کند که نقض حق خلوت یک شخص، زمانی اتفاق می‌افتد که اطلاعات شخصی فرد، توسط دیگران تحصیل گردد و آنها نظاره گر او باشند یا امکان دسترسی به اطلاعات او را داشته باشند. (Ruth Gavison, 1980:436-438) منظور گاوایسون از اینکه «حق خلوت» لازمه و شرط زندگی کردن می‌باشد، این است که بسیاری از حقوق و آزادی‌های شخصی نظیر خود مختاری شخصی، فردیت، داشتن ارتباطات آزاد، داشتن آرامش روان و اعصاب، آزادی عمل و انتخاب، زیر کنترل و نفوذ دیگران نبوده و

مانند اینها را فقط در این حوزه می‌توان اعمال کرد چون در قلمرو عمومی در اعمال این آزادی‌ها و حقوق، همواره بایستی آداب و رسوم جامعه، قوانین، نظم و امنیت عمومی و نیز آزادی‌ها و حقوق دیگران را در نظر گرفت و در نتیجه، حیطة خصوصی و خلوت تنها جایی است که در آن می‌توان به دور از محدودیت‌های قانونی و عرفی زندگی کرد و برنامه‌هایی را که نمی‌توان در قلمرو عمومی اجرا کرد در این منطقه حفاظت شده به مرحله اجرا در آورد.

یکی از پژوهشگران، مفهوم «حق بر حریم خصوصی» را مبهم و دارای ظرفیت و مصادیق نامحدود دانسته که می‌تواند همه چیز را درباره افراد دربرگیرد. به همین جهت وی پیشنهاد می‌کند که حق مزبور توسط قانون تعریف و مصادیق آن ذکر گردد؛ با این حال وی حق خلوت را به‌عنوان جزیره خود مختاری شخصی توصیف می‌کند (Tom Gerrety, 1977: 234-236).

یکی دیگر از پژوهشگران به نام پارت، حق خلوت را در بردارنده سه مفهوم زیر می‌داند:

۱- حقی است که به موجب آن، یک شخص، تنها به حال خود رها می‌شود ۲- یک شکل از اعمال خودمختاری یا کنترل نسبت به مسائل مهم شخصی و فردی است ۳- حقی است که به موجب آن، فرد دسترسی دیگران به خود را محدود می‌کند (parent, 1988:269-270). ایشان، اطلاعات و رویدادهایی را در حیطة حق خلوت می‌داند که هم شخصی باشند و هم اینکه در محل‌ها و قلمرو عمومی ارائه و آشکار نشده باشند و همچنین این اطلاعات و رویدادها بایستی عاری از هرگونه تناقض آشکار با مصالح افراد دیگر یا جامعه باشند (parent, 1988:271). به عنوان مثال، اگر شخصی در یک روزنامه برخی از اطلاعات مربوط به خود را فاش کند یا در یک برنامه تلویزیونی با اراده و رضایت خود (مثل برنامه سندلی داغ در شبکه دوم سیما) اطلاعات شخصی مربوط به خود را بیان نماید، دیگر نمی‌توان دسترسی دیگران را به اطلاعات بیان شده محدود کرد و یا آن را در حیطة حق خلوت به شمار آورد.

در قطعنامه کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۶۷، حق خلوت عبارت است از حق یک شخص که آزادانه و با حداقل دخالت، آن‌طور که میل دارد، می‌تواند زندگی بکند. در این قطعنامه آمده است: «حق فرد بشر است که زندگی بکند آن‌طور که قصد دارد و حمایت شود در مقابل:

- الف - هرگونه مداخله در زندگی خصوصی خانوادگی و داخلی او؛
- ب - هرگونه تعرض به سلامت جسمی یا روحی و به آزادی اخلاقی یا معنوی او؛
- ج - هرگونه تعرض به شهرت و شرافت او؛
- د - هرگونه تفسیر مضری که از گفته‌ها و اعمال او بشود؛
- ه - افشای بی‌موقع امور ناراحت کننده مربوط به زندگی خصوصی او؛
- و - استفاده از اسم، هویت و عکس او؛
- ح - هرگونه فعالیت به منظور جاسوسی درباره او، در کمین نشستن، او را تحت نظر قرار دادن و عرصه را بر او تنگ کردن؛
- ط - توقیف مکاتبات او؛
- ی - استفاده سوء از مخابرات کتبی یا شفاهی او؛
- ک - افشاء اطلاعاتی که او داده یا گرفته، برخلاف قاعده حفظ اسرار مربوط به شغل و حرفه». (متین دفتری، ۱۳۴۸: ۱۱۳-۱۱۲)

مهمترین مشخصه‌های حق خلوت و حریم خصوصی را می‌توان «دور از انظار عموم بودن»، «آزادی» و «مصونیت» نام برد که هریک از این سه مشخصه لازم و ملزوم یکدیگرند؛ منظور از «دور از انظار عموم بودن» این است که رویدادها یا اطلاعات مربوط به شخص، از آن اطلاعات و رویدادهایی باشند که در یک مکان عادتاً خصوصی مثل منزل، اتاق هتل، غرفه تلفن، یا در حکم خصوصی مثل مطب پزشک، دفتر وکیل، فرم گزینش تحصیلی یا شغلی واقع یا اظهار شده باشند و آشکار شدن یا وقوع آنها در محل‌ها و مکان‌های عمومی صورت نگرفته باشد؛ منظور از «آزادی»، یکی آزادی از قید و بند، محدودیت، عادات و رسوم، فشار و کنترل و دیگری آزادی در انجام یا عدم انجام و چگونه عمل کردن در مکان خصوصی است و منظور از «مصونیت»، تکلیفی برگردن دیگران اعم از افراد حقیقی و حقوقی است که مزاحم و متعرض زندگی خصوصی، افکار، احساسات، امنیت، خانه، حیثیت و شخصیت افراد نشوند یعنی زندگی خصوصی اشخاص مصون از تعرض و نقض است.

با نگاهی به بحث، می‌توان «حق خلوت» را یک حق سایه دانست؛ بدین معنی که حقوق و آزادی‌هایی در سایه آن، جامه عمل به خود می‌گیرند یا تحت لوای آن به رسمیت شناخته می‌شوند. به عبارتی دیگر آزادی در انتخاب نوع روابط جنسی؛ آزادی معاشرت؛

آزادی در بچه دار یا بچه دار نشدن؛ امنیت شخص، خانه، اوراق و اموال او؛ منع ضبط و کنترل سری مکالمات و استراق سمع؛ حمایت شدن در برابر فضولی، فشار و پرده دری مطبوعات و رادیو و تلویزیون؛ منع افشاء اسرار حرفه‌ای توسط پزشکان، وکلا، بانک‌ها؛ منع ورود مامورین انتظامی و نظامی بدون حکم قانون و مقام قضایی به منازل؛ منع تفتیش و بازرسی منازل و ماشین‌های شخصی مگر در مواردی که توسط قانون به رسمیت شناخته شده باشد؛ و... همه اشکال و نمونه‌هایی هستند که در سایه حق خلوت و احترام به زندگی خصوصی اشخاص مورد شناسایی واقع شده‌اند.

با توجه به نظریات ارائه شده توسط صاحب‌نظران و نظریه پردازان و نیز با در نظر گرفتن مصادیق این حق، «حق بر حریم خصوصی» را به صورت زیر می‌توان تعریف نمود: «حق داشتن یک چهارچوب محافظت شده، امن و خالی از اغیار است که در این چهار چوب، فرد از یک نوع خودمختاری شخصی برخوردار است». منظور از برخورداری از «خودمختاری شخصی» در این تعریف، اعمال حاکمیت فردی در حوزه زندگی خصوصی به دور از قید و بند، کنترل، فشار و محدودیت‌های قانونی و عرفی است.

۳- مبانی احترام و شناسایی «حق بر حریم خصوصی» در جامعه

یکی از مهمترین مباحث مربوط به «حق خلوت» یا حریم خصوصی این است که چرا بشر بایستی چنین حقی داشته باشد؟ «حق بر حریم خصوصی» چرا مهم و شناسایی آن چرا لازم است؟ چه نیازی به شناسایی چنین حقی برای بشر احساس می‌شود؟ مبانی طرفداران این نظریه چیست؟ آیا شناسایی چنین حقی، نفعی برای جامعه و فرد دارد؟ کدام منافع و مصالح هست که دخالت در حوزه خلوت اشخاص را توجیه ناپذیر و نامشروع قلمداد می‌نماید؟ پاسخ به چنین سؤالاتی و بحث درباره آنها کمک خواهد کرد تا بهتر بتوان به جایگاه چنین حقی در جامعه پی برد.

مبانی شناسایی و حمایت از «حق بر حریم خصوصی» شهروندان در جامعه را می‌توان در چهار بند مورد بررسی قرار داد: ۱- کمک به رشد و کمال شخصیتی ۲- محدود نمودن ماهیت توسعه طلب و مداخله‌گر دولت ۳- مصلحت‌های جرم‌شناسی ۴- حفاظت در برابر پیشرفت تکنولوژی.

۳-۱. تأمین و حمایت خودمختاری فردی و رشد شخصیت انسان

بشر موجودی است که مجهز به وجدان، درک مسئولیت و اراده آزاد می‌باشد و همچنین موجودی است دارای شخصیت انسانی مستقل. انسان با توجه به همین استقلال شخصیت، فردی ممتاز از جامعه به حساب می‌آید. بشر در خود این احساس را دارد که می‌تواند در مورد اعمال، رفتار، کردار و گفتار خود تصمیم‌گیری و انتخاب نماید، و اختیار انجام یا عدم انجام کاری را دارد و مجبور به اطاعت از دیگری نیست، این حس طبیعی هر موجود انسانی است. نادیده گرفتن حق خلوت و تعرض به آن، این حس را جریحه‌دار، شخصیت فرد را لگد مال و حق‌گزینش وی را نقض می‌نماید.

بشر برحسب طبیعت خود موجودی آزاد و مستقل است که دارای برخی حقوق جدانشدنی مثل حق حیات، حق آزادی، حق تحصیل و جستجوی خوشبختی و نیز حق داشتن امنیت می‌باشد. برای نیل و تحقق این حقوق لازم است که به خلوت دیگران احترام گذاشته شود زیرا تأمین امنیت زندگی خصوصی به اندازه امنیت مادی و حتی بیشتر برای فرد مهم و ضروری است. همچنین هدف افراد در جامعه فقط این نیست که مال و ثروت جمع کنند بلکه «احترام» همواره به عنوان یک ارزش اساسی در هر جامعه‌ای شناخته شده و لازمه یک جامعه پیشرفته، متعالی و متمدن، «احترام» و وجود آن در جامعه است. احترام به «حق خلوت و حریم خصوصی» به گسترش ارزش‌های انسانی و نیز تأمین حیثیت و عظمت اعضاء جامعه کمک می‌کند و محترم بودن حریم خصوصی یکی از خواسته‌های افراد در جامعه است که بدون آن، پسرفت، بدگمانی، ناهنجاری در روابط افراد جامعه و نیز تنزل اخلاق، برجامعه حکم فرما خواهد شد.

تعرض به حق خلوت افراد و نیز افشاء زندگی خصوصی آنها، تحقیر، فشار روحی، خشم، نفرت، شرمساری و درد و رنج روحی و روانی را به ارمغان می‌آورد و ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکر فرد وارد ساخته و در بسیاری موارد او را وادار به خودکشی و اعمال ضد اجتماعی می‌کند.

یکی از پژوهشگران حمایت از اهداف مهم بشری و کمک به ارتقاء آنها را زیربنای حمایت از حق خلوت می‌داند. وی بر این نظر است که حمایت از حق خلوت به توسعه حق خودمختاری فردی کمک می‌کند و فرد را از کنترل، غلبه و زیر نفوذ کامل دیگران رها می‌سازد. (Alan Westin, 1967:33-34) فقط در خلوت و حوزه خصوصی است که

شخص می‌تواند فردیت خویش را اعمال نماید. عدم شناسایی یک حریم خصوصی و خلوت برای انسان به معنای نابودی شخصیت و فردیت فرد است. نابودی شخصیت و فردیت برابر با نابودی قدرت انسان برای آغاز چیزی تازه به کمک منابع طبیعی است. با از بین بردن حریم خصوصی و نیز فردیت چیزی جز عروسک‌های خیمه شب بازی با صورت‌های انسانی باقی نمی‌مانند. (آرنت، ۱۳۶۶: ۲۹۹)

بایستی همواره میان افراد انسانی حدود و مسیرهای ارتباطی و نیز حصارهای قانونی وجود داشته باشد، که شناسایی حریم خصوصی یکی از این حصارها است. لغو حریم خصوصی به معنای سلب آزادی انسان و در واقع نابودی استعداد درونی انسان است. از بین بردن زندگی شخصی، ابتکار آزاد در هر حوزه‌ای از زندگی و هرگونه فعالیت را نابود می‌سازد. حذف قلمرو خصوصی زندگی، در واقع به معنای این است که فردیت و استقلال شخصیتی افراد انکار می‌گردد و کل بشر به صورت یک فرد و شخصیت واحد حساب می‌شود که این اندیشه برای بشر فوق‌العاده خطرناک است و می‌تواند عواقب وخیمی را برای جوامع بشری به ارمغان بیاورد. (آرنت، ۱۳۶۶: ۳۲۰-۳۱۸)

هر فردی بنا به طبیعت انسانی خود، دارای افکار، عواطف، احساسات و تمایلات گوناگون است و بخش عمده‌ای از زندگی عمده هر فرد و نیز تلخی‌ها و خوشی‌هایش را همین عواطف، احساسات و تمایلات در بر می‌گیرد. پیچیدگی زندگی، فشارها و ناراحتی‌های موجود در اجتماع، داشتن یک محیط خلوت و تنها را برای ابراز افکار، عواطف و تمایلات ضروری می‌سازد. در واقع این حق خلوت است که حفاظت افکار، احساسات، عواطف و تمایلات شخصی را برعهده می‌گیرد و به مصونیت آنها کمک می‌نماید. (Warren and Brandis:2-6)

همچنین شناسایی حیطه خصوصی به‌عنوان یک حق برای افراد بشر، در ارتقاء توسعه و حمایت از ارزش‌هایی چون آزادی عمل، سلامت روان، استقلال و خود مختاری شخصی، رشد و خلاقیت و برقراری ارتباطات سودمند و هدفمند بشری، کاملاً مؤثر و لازم است. (Ruth Gavison, 1980:442) شناسایی حق خلوت و حریم خصوصی، یک چارچوب حفاظت شده و امن را برای افراد به‌وجود می‌آورد که در آن می‌توانند از بازرسی، نظارت و داوری در مورد امور شخصی خود، آزاد و رها باشند. در حیطه این حق است که انسان می‌تواند حالت و شیوه زندگی خود را شخصاً کنترل نماید، اطلاعات محرمانه و شخصی

خود را کنترل و روش زندگی خود در اجتماع را شخصاً هدایت نماید، آن‌گونه که می‌خواهد در جامعه عیان شود و با اطرافیان ارتباط آزاد با حدودی که خود تعیین می‌کند، برقرار نماید. (نیس بام، ۱۳۸۱: ۱۹۹-۱۹۸)

حق خلوت و حریم خصوصی همچنین یک ارتباط تنگاتنگ با کرامت و شأن انسانی دارد. آزادی، استقلال، تعیین سرنوشت و نیز تکریم تمامیت مادی و معنوی انسان در سایه حق خلوت و یک فضای لازم جهت رشد و تکامل شخصی افراد میسر است. ممنوعیت افشاء اطلاعات محرمانه، استراق سمع، بازرسی، زیر کنترل و نفوذ دیگران بودن و نیز مصونیت مسکن بخاطر احترام به آزادی فردی و تکریم شأن انسانی است. (Judith Decew:7)

حق خلوت همچنین یک ارتباط عمیق با صمیمیت، الفت و نزدیکی بین افراد جامعه دارد. به طوری که برخی پژوهشگران چون فرید (Fried) و گرستین (Gerstein)، حق خلوت و حریم خصوصی را به این دلیل ارزشمند می‌دانند که بدون آن، تحقق صمیمیت و الفت در جامعه ناممکن است. به عنوان مثال فرید، حق خلوت و حریم خصوصی را در مفهوم مضیق به عنوان کنترل اطلاعات شخصی درمورد خود، تعریف می‌نماید و اعلام می‌دارد که این حق ارزشی ذاتی و طبیعی دارد و دارای یک ارتباط عمیق با پیشرفت شخص به عنوان یک فرد با شخصیت اخلاقی و اجتماعی منفرد است و حتی چنین حقی لازم است تا فرد ارتباطات نزدیکی همچون عشق، احترام، دوستی و اعتماد را برای خود شکل دهد. در واقع عشق، دوستی و اعتماد فقط در صورتی ممکن هستند که شخص از حیطة خصوصی بهره‌مند باشد و تهدید حق خلوت، تهدید کمال شخصیت انسان است. حق خلوت به یک شخص اجازه می‌دهد تا آزادانه ارتباط خود با دیگران و همچنین خودش را معین نماید. (Judith Decew:7) گرستین یکی دیگر از نظریه پردازان در این زمینه، استدلال می‌کند که همان‌طوری که حق خلوت و حریم خصوصی برای صمیمیت و الفت بدون تعرض، نظارت و مشاهده دیگران برای ما ضروری است، صمیمیت در روابط شخصی و اجتماعی نیز برای ما لازم است تا به طور کامل زندگی مان را تجربه و حس نماییم. حق خلوت باعث می‌شود تا فرد، اطلاعات صمیمانه در مورد خودش را کنترل نماید و این نه تنها دارای منافع فراوانی در جهت ارتباط با دیگران بلکه همچنین برای رشد شخصیت و روح و روان وی نیز سودمند و لازم است (Judith Decew:8). شناسایی «حق بر حریم خصوصی» در بردارنده منافع زیر است: ۱- کنترل اطلاعات شخصی و

محرمانه خود ۲- کنترل دسترسی به شخصیت و تمامیت جسمی و روانی خود ۳- کنترل توانایی خود برای اتخاذ تصمیمات مهم در مورد نوع سیستم زندگی و خانوادگی جهت خود بیانگری و توسعه ارتباطات متنوع؛ این سه مورد، ارتباط عمیقی با همدیگر دارند. چون تهدید و نبود هر یک از آنها ما را آسیب‌پذیر و نگران از این می‌کند که زیر ذره بین، فشار و استثمار دیگران هستیم. «حق بر حریم خصوصی» دارای ارزش اخلاقی است چون ما را در برابر هریک از موارد بالا با فراهم نمودن امکان آزادی و استقلال شخصیتی حفظ و حمایت می‌نماید. با شناسایی و وجود حق خلوت و حریم خصوصی از بازرسی، پیش داوری، فشار، استثمار، مقایسه و داوری دیگران آزاد و رها می‌شویم (Judith Decew:9).

از مجموع دیدگاه‌های فوق به دست می‌آید که شناسایی «حق خلوت» دارای منافع زیر برای شهروندان می‌باشد:

- ۱- حفاظت از افکار، احساسات، عواطف و تمایلات شخصی افراد؛
- ۲- کمک به تحقق و برقراری ارتباطات سودمند و هدفمند و نیز توسعه الفت، صمیمیت و نزدیکی بین افراد جامعه؛
- ۳- کمک به توسعه کمال شخصیت و رشد روح و روان انسان و نیز توسعه خلاقیت، فردیت و استقلال شخصیتی افراد جامعه؛
- ۴- کمک به کنترل شیوه زندگی و اطلاعات شخصی و محرمانه خود توسط افراد جامعه؛
- ۵- ایجاد یک چارچوب امن و حفاظت شده برای اعمال حق خود مختاری شخصی و رهایی از بازرسی، نظارت، فشار و قید و بند؛
- ۶- کمک به نیل و تحقق حقوقی چون حق حیات، حق آزادی عمل، حق جستجوی خوشبختی، حق داشتن امنیت و...؛
- ۷- حفظ شأن و کرامت بشری و نیز کمک به گسترش ارزش‌های انسانی و تأمین حیثیت و عظمت اعضای جامعه.
- ۸- کمک به رهایی افراد جامعه از تحقیر، فشار روحی، خشم، نفرت، شرمساری و درد، رنج روحی و روانی.

۲-۳. محدود نمودن ماهیت توسعه طلب و مداخله‌گر دولت

یکی از مبانی مهم دیگری که شناسایی «حق بر حریم خصوصی» را برای افراد جامعه ضروری و حتی واجب می‌سازد، وجود دولت همراه با قدرت و سلطه‌اش در جامعه است.

از آنجا که در هر جامعه‌ای حکومت و دولتی وجود دارد و هیچ چاره‌ای از قدرت و سلطه آن نیست، بایستی به دور موجودیت و شخصیت فرد حصار کشید تا قدرت زیاده خواه و سلطه جوی حاکم نتواند به این حریم تجاوز نماید (قاضی، ۱۳۷۸: ۱۴۰). یعنی با شناسایی حق خلوت بایستی فردیت و استقلال شخصیتی انسان را در برابر حکومت در امان نگه داشت.

در واقع بایستی یکی از مبانی شناسایی «حق بر حریم خصوصی» را محدود نمودن ماهیت توسعه طلب و احیاناً ستمگر قدرت دانست که اگر بی‌مهابا و بدون حد و مرزها شود، ممکن است فرد را فدای مصلحت و امیال قدرت سیاسی کند همان طوری که حکومت‌های توتالیتری چون آلمان نازی با حذف قلمرو خصوصی، فردیت افراد را نابود و هرگونه استعداد و شکوفایی را در آنها ریشه کن نمودند. بنابراین هدف اصلی باید ترسیم قلمرو شخصی در جهت نگهداری فردیت و استقلال شخصیتی فرد باشد و قانونگذار بایستی طوری مرزهای عملکرد دولت را محدود نماید که قدرت نتواند حتی المقدور به حریم خلوت اشخاص تجاوز کند به طوری که برخی برای جداسازی محدوده دولت و فرد و ایجاد حفاظ‌های لازم در جهت حمایت از فرد انسانی، حیثیت، کرامت و شرافت او، از اندیشه‌های مربوط به حقوق فطری و طبیعی بهره جستند و «حق بر حریم خصوصی» را به‌عنوان یکی از حقوق فطری بشر معرفی نمودند.

با احترام به «حق بر حریم خصوصی» است که افراد بشر در مقابل مصادر قدرت، جامعه و سایر اشخاص حمایت و حفاظت می‌شوند. این حق برای سعادت بشر حایز کمال اهمیت بوده و بایستی به‌عنوان یکی از حقوق اساسی بشر شناخته شود.

۳-۳. مصلحت‌های جرم‌شناختی

یکی دیگر از مبانی شناسایی «حق بر حریم خصوصی» و اینکه زندگی خصوصی دیگران نباید افشاء شده و اسرار شخصی آنها محرمانه باقی بماند، در حیطه تحقیقات جرم‌شناسی واقع می‌شود. این عقیده در جرم‌شناسی وجود دارد که وقتی یک فردی از سوی دیگران در قالب خاصی توصیف شود، در نتیجه فشار اجتماعی به تغییر ادراک از خویشتن و رفتار خود دست خواهد زد (وایت و هینس، ۱۳۸۲: ۱۲۵-۱۲۳). تحقیقات جرم‌شناسی درباره مراحل انگ خوردن، ثابت می‌نماید که تعیین هویت افراد تحت عناوینی چون «مظنون»، «بزهکار» و «مجرم» دارای اثرات منفی به‌صورت‌های گوناگون

است. در نتیجه افراد بایستی در مقابل انگ‌زنی‌های پلیس و نهادهای مشابه و انتشار آن در رسانه‌های گروهی حمایت شوند چون احتمال آن هست که بسیاری از برچسب‌ها و انگ‌زنی‌ها نادرست و یا از روی قصد و غرض یا به‌خاطر اشتباهات قضایی باشد. لذا حفظ اسرار و زندگی خصوصی افراد و منع انتشار آنها، هم دارای منافع فردی است و هم اینکه می‌تواند از فعالیت‌های ضد اجتماعی آینده برچسب خورها، پیشگیری نماید. (مصطفی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۲-۱۱۱)

۴-۳. حفاظت در برابر پیشرفت تکنولوژی

امروزه زمانه در اثر پیشرفت علم و تکنولوژی فرق کرده است. امروزه وسائلی اختراع شده که آن را در محلی از قبیل خانه یا اداره و در یک نقطه پنهانی نصب می‌کنند که در یک مدت کلیه مذاکرات ساکنان و مراجعان به این محل را در نوارهایی ضبط و تحویل نصب کننده می‌دهد؛ امروزه بعضی وسایل به شکل گلوله کوچکی وجود دارند که با تفنگ مخصوص آن را در زیر پنجره خانه یا اتاق فرد می‌اندازند و آن به‌طور خود کار کلیه مذاکرات را ضبط می‌کند؛ همچنین امروز وسایلی خیلی دقیق و ظریف به‌صورت ساعت یا قلم خودنویس یا سنجاق یا قوطی سیگار یا کبریت موجود هستند که به هیچ وجه جلب توجه نمی‌کنند و کلیه مذاکرات را ضبط می‌کنند، و وقتی که صدا قطع می‌شود از کار می‌افتند و هر بار که صدا و صحبت شروع شد به‌کار می‌افتند و به این ترتیب مورد استفاده قرار می‌گیرند (کاتبی، ۱۳۵۹: ۴۱). امروزه موبایل‌هایی اختراع شده که قادر به عکسبرداری و فیلمبرداری بدون کمترین جلب توجه هستند، امروزه در سایه تکنولوژی، آزمایش‌های پزشکی، روانی و بدنی از افراد انجام می‌شود، و با استفاده از پیشرفت علم و فن‌آوری و ابزارهای فنی در شخصیت انسان، کنجکاوی و کاوش صورت می‌گیرد. از طریق روش‌های نوین تکنولوژی، مداخله در مکاتبات و مراودات تلفنی به آسان‌ترین شکل انجام می‌گیرد. (Calo, 2011:3-4)

در سایه تکنولوژی، امروزه دولت به مدرن‌ترین وسایل جاسوسی، تفتیش و استراق سمع دست یافته است حتی مجهز به وسایل فنی کشف حقیقت مثل ابزارهای کشف دروغ و داروهای شیمیایی تحریک‌کننده گشته است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۸۸-۲۸۷). حتی بیم آن می‌رود که پیشرفت در زمینه روانشناسی و علوم وابسته به آن، روش‌های کاوش و تفتیش عقاید، افکار و احساسات را به ارمغان بیاورد؛ شاید به همین خاطر باشد که اکثر قوانین،

تفتیش عقاید را ممنوع و برخی آن را جرم اعلام نموده‌اند. به هر حال امروز در عصری زندگی می‌کنیم که در آن تکنولوژی حکومت می‌کند و با مودیان‌ترین روش‌ها، نه تنها صلح و امنیت را به هم زده بلکه در صمیمانه‌ترین روابط زندگی افراد مداخلات ناروا کرده است. علم و صنعت و تکنولوژی را نه می‌توان از رشد و تکامل باز داشت و نه چنین کاری را باید کرد، ولی می‌توان و باید از آثار زیان آور و مضر آن جلوگیری نمود. باید به تدوین قوانین شایسته، بشر را در برابر آثار زیان آور و مضر آن حمایت نمود و به افراد ضد اجتماعی اجازه نداد که با سوء استفاده از پیشرفت تکنولوژی و خلاء قانون، شخصیت، شأن، کرامت، شرافت و زندگی خانوادگی و شخصی افراد را نابود سازند. حقوق هر جامعه، بایستی توانایی آن را داشته باشد که همگام با تکنولوژی حرکت کند. اگر حقوق و قوانین همراه و همگام با تکنولوژی متحول نشوند، عملاً شهروندان جامعه را در برابر آثار منفی ناشی از پیشرفت تکنولوژی و اعمال ضد اجتماعی صورت گرفته توسط تبهکاران، اخاذان و سودجویان در اثر خلاء قانونی، بی‌دفاع خواهد گذاشت.

نتیجه‌گیری

۱- «حیطه خصوصی و خلوت» اصطلاحی است که به‌صورت مکرر در محاورات عامیانه و همچنین در مباحثات حقوقی، سیاسی و فلسفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نگاهی تاریخی به این اصطلاح در مباحثات انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که در فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون همواره ارزشمند بوده و مورد حمایت واقع می‌شده است. ولی با این حال، تعریف، برداشت، توصیف و مفهومی واحد و یک شکل از این اصطلاح هنوز به‌دست نیامده است و این به‌خاطر تفاوت در فرهنگ‌ها، تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع در طی تاریخ؛ و نیز تفاوت در نوع نگاه و نگرش به این اصطلاح و نقش و جایگاه آن در جوامع بوده است به‌طوری که مصادیق و قلمرو خلوت و حیطه خصوصی از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کند.

۲- با توجه به نظریات ارائه شده توسط صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان و نیز با در نظر گرفتن مصادیق این حق، «حق بر حریم خصوصی» را به‌صورت زیر می‌توان تعریف نمود: «حق داشتن یک چهارچوب محافظت شده، امن و خالی از اغیار است که در این چهار

چوب، فرد از یک نوع خودمختاری شخصی برخوردار است». منظور از برخورداری از «خودمختاری شخصی» در این تعریف، اعمال حاکمیت فردی در حوزه زندگی خصوصی به دور از قید و بند، کنترل، فشار و محدودیت‌های قانونی و عرفی است.

۳- مبانی شناسایی و حمایت از حق خلوت شهروندان در جامعه را می‌توان در چهار بند مورد اشاره قرار داد: ۱- کمک به رشد و کمال شخصیتی ۲- محدود نمودن ماهیت توسعه‌طلب و مداخله‌گر دولت ۳- مصلحت‌های جرم‌شناسی ۴- حفاظت در برابر پیشرفت تکنولوژی.

۴- با اعتقاد به اینکه با شهروندان کوچک نمی‌توان کارهای بزرگ کرد و هر جامعه‌ای برای انجام کارهای بزرگ به شهروندان بزرگ نیاز دارد و انسان جز در سایه حفظ حرمت و کرامت و مصونیت پرورش نمی‌یابد؛ لذا ضروری است که نسبت به حوزه خصوصی شهروندان توجه ویژه‌ای صورت گرفته و این مهم جز در موارد استثنایی، مورد شناسایی و حمایت لازم قرار گیرد.

۵- اگرچه برخی، حق بر حریم خصوصی را به دلایلی چون نداشتن پایه و مبنای حقوقی، نداشتن ارزش اقتصادی و ابزار بودن برای سرپوش گذاشتن بر سوءاستفاده از زنان و افراد آسیب‌پذیر؛ مورد انتقاد قرار داده‌اند ولی در مقابل، بسیاری از نظریه‌پردازان، حق مزبور را، فی‌نفسه یک مفهوم با ارزش و پرمعنا می‌دانند و آن را برای کنترل اطلاعات شخصی و محرمانه، شکوفایی روابط گوناگون بین اشخاص، کنترل دسترسی دیگران به خود، کمک به توسعه صمیمیت و دوستی و توسعه خودمختاری و گزینش شخصی لازم دانسته‌اند.

منابع و مأخذ

۱. آرنت، هانا (۱۳۶۶)، توتالیتاریسم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ اول.
۲. استون، فردینانداف (۱۳۵۰)، نهادهای اساسی حقوق ایالات متحده آمریکا، ترجمه حسین صفائی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
۳. عمید، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ جیبی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲۵.
۴. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۷۸)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر دادگستر و نشر میزان، چاپ چهارم.
۵. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان.
۶. کاتبی، حسینقلی (۱۳۵۹)، حقوق و صنعت، تهران، بی‌نا.
۷. کلابهام، اندرو (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای کوتاه بر حقوق بشر، ترجمه مینو آقایی خوزانی، تهران، نشر گرایش، چاپ اول.
۸. متین دفتری، احمد (۱۳۴۸)، حقوق بشر و حمایت بین‌المللی از آن، تهران، بی‌نا.
۹. معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات زرین، چاپ اول.
۱۰. مصطفی‌زاده، فهیم (۱۳۸۵)، شناخت و بررسی حق خلوت به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی، مجموعه مقالات، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول.
۱۱. ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۲)، اعلامیه‌های حقوق بشر، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، چاپ اول.
۱۲. نیس بام، هلن (۱۳۸۱)، «حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر اطلاعات»، ترجمه عباس ایمانی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره دوم، تهران.
۱۳. وایت، راب؛ هینس، فیونا (۱۳۸۲)، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه میر روح الله صدیق بطحائی اصل، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول.
۱۴. هارلو، کارل (۱۳۸۳)، شبه جرم، ترجمه کامبیز نوروزی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۱۵. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.

16. Barrington Moor, Jr (1984), Privacy studies in social and cultural History, New York, M. E. Sharpe.

17. CALO, M. RYAN(2011), The Boundaries of Privacy Harm, INDIANA LAW JOURNAL, Vol. 86:1
18. Chlopecki, Mary. The property Rights origins of privacy Rights, <http://www.libertyhaven.com>.
19. Decew, Judith. Privacy. <http://Plato.stanford.edu>.
20. Decew, Jueith (1998). Inpursuit of Privacy: Law, Ethics and the Rise of Thechnology. Ithaca, cornell University pres.
21. Gavison, Ruth (1980). Privacy and the Limits of law. Yale law jornal, no 89.
22. Gerty, Tom (1977). Redefining privacy, Harvard civil Rights civil liberties law rewiew 12.
23. Mackinnon, Catherine, "Toward a Feminist Theory of the State", Cambridge, M A, Harvard University Press, 1989.
24. Moore, Adam (2008), Defining Privacy, JOURNAL of SOCIAL PHILOSOPHY, Vol. 39 No. 3, 411–428.
25. Oxford advanced learner's Dictionary (1989). Oxford university press, fourth edition.
26. Oxford dictionary of law (1997). Fourth edition, oxford university press.
27. Parent, William (1983). Privacy, Morality, and the law philosophy and public affairs, Vol 12, no. 4 Princeton University press.
28. Posner, R, the Economics of Justic, Cambridge, Harvard University Press, 1981.
29. Reiman, Jeffery (1979). Privacy, Intimacy and Person hood, philosophy on public Affairs. No1.
30. Standler, Ronald B. Privacy law in USA. <http://www.rbs2.com>.
31. Thomson, Judith Jarvis, "the Right to Privacy", Philosophy and Public Affairs 4, No 4 (1979).
32. Warren, Samuel D, Brandeis, Louis D, "The Right to Privacy", Harvard Law Review, Vol. IV December 15, 1890 No. 5.